

## دریچه

نامه سرگشاده استادکاران قدیمی اصفهان درباره مسجد شیخ لطف الله

## جولوی ادامه تخریب آبروی اصفهان را بگیرید

چند ماهی از آشکارشدن شرایط مرمت گنبد مسجد شیخ لطف الله گذشت است و در این مدت بسیاری از مسئولان واکنش نشان داده‌اند. یکی از مهم ترین این واکنش ها صحبت های وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی بود که از استادکار مرمت این اثر مهم تاریخی دفاع کرد. اما ایستنا به تازگی خبر از نامه چند استادکار قدیمی اصفهان خطاب به اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهوری داده که با این عنوان منتشر شده است: «تخریب نمای زیباترین گنبد ایران (شیخ لطف الله اصفهان) به دلیل مرمت نادرست.»

آنها در این نامه به ارزش های هنری و معماری این اثر ثبت شده در فهرست جهانی یونسکو اشاره کردند و شیوه مرمت این مسجد را فاجعه ای دانستند که آیندگان گناه آن را بر ما خواهند بخشید. استادکاران در ادامه جوانب مختلف این اقدام نسنجیده را شرح دادند:

«الف- هیچ گونه ارزیابی دقیق و هیچ صورت جلسه ای که مشکلات و شرایط گنبد پیش از آغاز مرمت را مشخص کند، منتشر نشده و به نظر می رسد اصلا ارزیابی و هم اندیشی مدونی صورت نگرفته است. ب- به تبع عدم ارزیابی دقیق، هیچ گونه طرح مطالعاتی و آزمایش و تعیین برنامه مرمت پیش از آغاز کار، تدوین و انجام نشده و به عبارت بهتر، اجرای چنین کار حساسی بدون نقشه و زمینه مطالعاتی کافی آغاز شده است. ج- برای آغاز مرمت، مناقصه ای از سوی اداره کل میراث فرهنگی اصفهان در تاریخ بیست و سوم خرداد ماه سال ۸۸ در سایت آن اداره کل اعلام و در نهایت به مرمت گر کنونی سپرده شد که هیچ گونه سابقه مرمت کاشی معرق - معقلی (نوع خاص کاشی گنبد شیخ لطف الله) نداشته و به واسطه پدرش که از نام آوران در زمینه ساخت انواع طاق های سنتی (غیر مرتبط با این پروژه) است، شناخته می شود. د- نتیجه چنین مرمت فاجعه باری امروز دورنگ شدن کاشی های گنبد شده، به طوری که این اختلاف رنگ در شب نیز به وضوح مشخص است. این مرمت در رسانه های مختلف منعکس شد.» آنها در ادامه قوانین بین المللی و قانون مجازات اسلامی را درباره تخریب یا آسیب به بناهای تاریخی شرح داده اند. بر اساس آنچه در فصل ۹ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ایران آمده است: «هر کس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه ها و مجموعه های فرهنگی، تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، با تزیینات، ملحقات، تأسیسات، اشیاء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور که مستقلا نیز واجد حیثیت فرهنگی، تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورد، علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از یک تا سه سال محکوم می شود.»

این ۱۱ استادکار پس از مطرح کردن این بحث ها، سوالاتی درباره رعایت مراحل ذکر شده در قوانین جهانی و داخلی از مسئولان پرسیدند. همچنین آنها می خواهند بدانند چرا مطالعات و مستندسازی پیش از مرمت در دسترس متخصصان مرمت و کاشی کاران قرار نمی گیرد؟ سوال دیگر این کاشی کاران این است که از کدام یک از متخصصان مرمت در دانشگاه ها برای بررسی طرح مرمت این گنبد نظرخواهی شد؟ همچنین از کدام یک از کاشی کاران، معقلی سازان و کاشی چسبانان متبحر که تعدادشان در اصفهان کم نیست، برای اظهار نظر و بررسی روش مرمت چنین اثر مهمی دعوت به عمل آمد؟ و سوالات دیگری که به مسئولیت مرمت این بنا یا شاخصی و چگونگی انتخاب مرمت گرا اشاره دارد. بخش دیگری از سوالات استادکاران قدیمی اصفهان، سوالات فنی درباره چگونگی اجرای مرمت این اثر است. آنها از وزارت میراث فرهنگی و مدیرکل میراث فرهنگی اصفهان پرسیدند: «۱. دلیل بندکشی های نامناسب بین قطعات چیست؟ ۲. ایجاد شکاف و اختلاف سطح ایجاد شده روی گنبد به چه دلیل است؟ ۳. نوع و میزان مصالح و مواد به کار رفته در مرمت چیست و چه اندازه است؟ ۴. مواد به کار برده با کدام مجوز و تأییدیه و طبق کدام آزمایش برای سفید کردن و روشن شدن کاشی ها استفاده شده است؟ چگونه مدیرکل میراث فرهنگی شهری مانند اصفهان با شمار زیادی آثار تاریخی ثبت ملی و جهانی و معاون او مطالبی سطحی و بی پایه برای توجیه عملکردشان اظهار می کنند؟» این بخشی از ۱۳ سوالی است که در این نامه خطاب به مسئولان وزارت میراث فرهنگی آمده است.

آنها در انتهای نامه شان گفتند که از مسئولان وزارت میراث فرهنگی انتظار پیگرد منصفانه و عالمانه موضوع و برخورد با خاطیان و تخریب کنندگان این یادگار جهانی را ندارند و در نتیجه خطاب به معاون اول رئیس جمهوری خواستار پیگیری و جلوگیری از ادامه تخریب چهره فرهنگی و آبروی اصفهان و ایران شدند. □

## نوری که عظمت بنا را نشان می دهد

در طراحی معماری بناهای تاریخی ایران به جلوه ها و کاربردهای نور هنگام روز توجه ویژه ای شده است. بازتاب سطوح شفاف، نورگیرها و روزنه ها، سایه روشن های ثابت و متغیر حاصل از آفتاب، آینه کاری ها و تذهیب از این موارد هستند. اما نورپردازی های مصنوعی نشانه ای از کم توجهی به عوامل فنی، بصری و زیبایی شناسی نمونه های تاریخی است. نورپردازی در مکان های تاریخی می تواند باعث شود ویژگی های آنها درست یا نادرست منعکس شود. پژوهش «مکانیزم نورپردازی بناهای تاریخی در زمینه شهری» که ملیحه بکرانی و فاطمه مهدیزاده سراج تهیه کرده اند و در دو فصل نامه علمی-پژوهشی مرمت و معماری ایران منتشر شده، شیوه نورپردازی و تصویری را که از بنا می موی چون مسجد شیخ لطف الله به چشم می آید، بررسی کرده است.

بررسی نور مسجد در طول روز نشان می دهد حضور و بازی نور در این مسجد مورد توجه بوده است: «عناصر معماری در این فضا به گونه ای به کار رفته که همگی در بازی نور، بازتاب و شکست آن شرکت دارند. آنچه که وقتی نور خورشید از روزه های بالا بر جداره های کاشی کاری بنا می افتد، نوعی شفافیت همرا به بانها م عرفانه در فضا ایجاد می شود. بازی نور با گنبد به گونه ای است که گویی گنبد در ساعات روز به دور خود چرخ می زند. نور در این فضا خلوتی آرام و آرامشی دلنشین پدید می آورد.» این پژوهش در زمینه نورپردازی شب، نور و سایه های افتاده بر بنا را در روزهای اول تیر و دی در ساعات های مختلف بررسی می کند و می گوید: «بنا در ضلع شمالی بیشتر مواقع در سایه قرار گرفته.» در نتیجه پیشنهاد می کند به گنبد و نمایی برای نورپردازی توجه شود. این مسجد که یکی از چهار بنا شاخص و کانونی میدان نقش جهان است، می تواند یکی از نقاط نورانی این میدان در شب باشد. نورپردازی این بنا باید عناصر مهم را شاخص و بین روز و شب تضادی ایجاد کند: «روز هنگام زیر نور خورشید سطح گنبد به صورت سایه روشن دیده می شود، حتی سایه ایجاد شده روی آن در فرم بنا خدش های وارد نمی کند و از هر زاویه و با هر فاصله ای که به آن نگریسته شود، فرم سه بعدی آن قابل مشاهده است. اما شب هنگام نبود نوروری هر قسمت از سطح گنبد آن را در تاریکی فرو برده و سبب می شود فرم گنبد قابل درک نباشد. بنابراین یکنواخت روشن کردن گنبد برای درک فرم آن از هر زاویه و با هر فاصله ای در شب ملاک عمل است.» □



درباره حال این روزهای مسجد شیخ لطف الله

# شاید راست از دروغ نمایان شود

[نسرین ظهیری] توریست ها نیستند. توریست های همیشه نیستند. هیچ

جهانگردی میدان نقش جهان را سیر نمی کند و هیچ نگاهی از دیدن گنبد شیخ لطف الله آشفته و حیران نمی شود. اسب ها خمیازه می کشند و درشکه ران ها ورودی میدان نقش جهان را می بیند و در انتظار مشتری خسته و کلافه اند. تاریخ در این میدان کساده شده است.

تنها ابرهای خاکستری، گنبد شیخ لطف الله را بغل کرده اند. در ایست ها نیمی از گنبد را خط خیطی کرده اند. با این همه، گنبد شیخ لطف الله که باشی، درحال مرمت هم زیبایی. باشکوه و اجتناب ناپذیر. چون عروسی زیبا و لیدی ریز دست مشاطه گر هر چه مشاطه می کند، زیباتر از اصل خودش نمی شود. صدای قدم هایم می پیچد در میدان و می خورد به بناهای باشکوه و برمی گردد. این میدان صدای پایاها را هم شنیدنی و اصیل می کند. صدای شیعه اسب های پیری می پیچد در بادک سرد. میدان از خاطره برف چند روز پیش خالی شده و اصفهانی ها در یک روز وسط هفته هم میدان را تنها گذاشته اند. همین چند روز پیش خبر آمد که برف برف روی قسمت مرمت شده گنبد نشست و بعضی از کارشناسان گفته بودند دلیلش مرمت غیراصولی بوده است. حالا در میان میدان دنبال ردپایی می گردم از برف و بگومگوها، از راست و غلط بودن ها

آقا صادق درشکه چه چی که ادعا می کند؟ سال است توی میدان درشکه می راند. اسم برف که می آورم، می خندد، خنده که نه، پوزخندی زند و بعد لبه اش کرشمه می آید و بانهای کرشمه آمده میدان به هم جور می شوند: «برف؟ پدربار ما، به اون گرد سفید ابکی که به بارکی اومد و نشست که برف نمی گن، بگو کرده برف. به برف اومد نشست و زودی آب شد. بقیه اش داستانه، من که اینجا بودم، دقت نکردم که بو گنبد قسمت مرمت شده نشست بود یا نه، اما برای این میدون حرف زیاد درمیا رن. به بار هم یکی از این درشکه ها پیچ چرخش را درست نبسته بود. وارونه شده بود روز زمین، اومدن عکس گرفتن که نمی دوئم به اسب در میدون نقش جهان شده و مرده و اینا. هر چی تو این اینترنت ای ماتم فرشته می گن همش الکیه.»

آفتاب نقش جهان روی گونه های آقا صادق خط انداخته و چشم هایش انگار همیشه به جای دوری خیره مانده و منتظر باشد. آدم از آنها که در میدان نقش جهان کاسبی می کنند، انتظار دارد. یک انتظار غریب و بیجا از آدم هایی که هر صبح به صبح چشم هایشان پر می شود از عالی قاپو، سرشار می شوند از آبی های گنبد شیخ لطف الله. آدم دلش می خواهد بنشیند پهلوی شان تا ببیند اینها که در دل تاریخ نفس می کشند، حال شان چطوری است. آیا شکوه تاریخ برایشان عادت شده است. بعضی از میدان نقش جهانی ها بی خبرند، از ماجرای برفی که نشست روی گنبد عزیز میدان. مرد جوانی که صاحب مغازه مینا فروشی روبرو می مسجد است، همان طور که گرد میناها رامی گیرد، پرسشها را با پرسش جواب می دهد: «راست می گید. واقعا برف روی قسمت مرمت شده نشست بود. ما که متوجه نشدیم. گرچه برف هم برف آنچنانی نبود، ما سر به کار خودمون بودیم و نگاه به گنبد نکردیم اون روز.» مرد مینا فروشی رامی گذارم تا همان طور تا آخر چرخ سر به کار خودش بماند.

حجره داران دور میدان برخلاف انتظار اغلب جوان هستند. از نسل قدیمی که

وجات و منش و صورت های قدیمی شان با میدان تاریخی جورتر بود، دیگر خبری نیست. نسل تازه ای آمده و انگار نسبت شان با میدان و تاریخ یک جور دیگر است. قدیمی ها بخشی از تاریخ میدان بودند و تازه ترها قرار است بر دوش تاریخ سوار شوند. نیما حجره دار جوان که موضوع را پیگیری می کرد، صبح روز برفی میدان را قشنگ تر تعریف می کند: «وقتی رسیدیم، دور تا دور میدان را روی لبه همه بناها برف نشسته بود. خیلی قشنگ شده بود. دوازدهم استوری می گرفتم که متوجه شدم برف روی قسمت مرمت شده مسجد شیخ لطف الله نشست، بعضی ها می گفتند که به علت نوع مصالح استفاده شده است.»

البته عوامل پروژه اعلام کردند چیزی رو عوض نکردند و آجر و کاشی ها همان کاشی و آجر گنبد بوده است، اما در مورد اینکه چرا جذب سطحی آجرهای قسمت مرمت شده انجام نشده، دو جور نظری دادند. یکی استفاده از عایق های رطوبتی نانو یا پوشش های آبگریز و دیگری هم وجود ترکیب پلیمری در دوغاب یا استفاده از گچ پلیمری. اما در نهایت همه اینها تکذیب شد. حسین آقا سال ها است رفتگر میدان نقش جهان است. سطل زیاله ها را کاشان کشان خالی می کند. میدان نقش جهان را می شود روی صورتش پیگیری کرد. چشم هایش به دیدن گنبد عادت دارد و نگاهش را یکراست می کشد سمت گنبد. توی هوا شور می کشد: «سال هاست اصفهانی جماعت برف و بارون درست حسابی به چشم ندیده. اگه مثل قدیم برف و بارون بیاد این مسجد و بناها خیلی بیشتر از اینا خرابی می بینند. گچای زیر گنبد طبله کرده، مجبور شدن مرمت کنن.» پیر مرد دیگری همان جور که جارو می کشد بر سنگ فرش های باشکوه، یادش می ماند بگوید که این مسجد شیخ لطف الله تنها مسجدی است که حیاط و صحن ندارد. چون مدرسه بوده و مکتب خونه، توش درس می خونند، یه راهروی زیر زمین هم داره که این مسجد رو به اون یکی وصل می کنه برای رفت و آمدن، ها که غریبه چشمش به شون نیوفته.»

تنها بازدید کننده مسجد من هستم و بالاخره توریستی چینی هم می آید. خانم چینی انگار عکس غیرمجاز گرفته است و مأمور ها او را مجبور کرده اند عکس ها را پاک کند. از پله های دلنشین ورودی مسجد بالا می روم و به این فکر می کنم شاید این چینی ها در این فکر هستند که مشابه این مسجد را بسازند و تقدیم دنیا کنند، همچنان که صاحب فرش ایرانی شدند و کارگاه های فرش بافی ایرانی در چین رونق بیشتری دارد. می روم سمت ورودی مسجد. تاریخ نشسته است روی دیوارهای مسجد، روی کاشی های دلپذیرش، روی نوشته های مرغوب و در پیچ و تاب سقف زوال ناپذیر اهورایی. خدا آن بالا درست زیر طاقی نفسگیر حضور دارد. طاق زیبایی محضی دارد. انگار این سقف را از بهشت یکراست آورده باشند این پایین. جوان معماری مشغول عکاسی از طاق است و مأمور چراغ های زرد رنگی را که می تا بده به نقش و نگارهای سقف خاموش می کند تا معمار جوان در نور طبیعی عکاسی کند. چراغ های زرد رنگ خاموش می شود و حالا دیگر خدا خودش می آید این پایین می نشیند کنار دست مان و همه چیز خورشنگ تر می شود. آقای جهانی، مسئول مسجد انگار کلافه باشد از سوال در مورد مسجد و برف و گنبد، همان طور که دارد امور را رتق و وقت می کند. می گوید: «همه چیز رادر مورد آن روز برفی توی سایت نوشته ایم. اطلاعات کامل است. برید بخونید، سوال داشتنی بردید.»

برای او توضیح می دهم که در جریان همه گزارش ها و تفسیرها هستم، اما کارشناسان مرمت و استادان فن نظرهایی دارند و می گویند که ممکن است نم برف توی گنبد نشست کند یا استفاده از دوغاب نانویی باعث شود برف آب شود. آقای جهانی می گوید: «ببین درست و برای آخرین بار گوش کنید، وقت مرمت چند تا دونه از کاشی ها را برمی دارند و می آوند پایین و گرد و خاک چندین ساله را پاک می کنند و خللو فرج روی کاشی مرمت می شود. بعد آن را سر جایش می گذارند. نه چیزی اضافه می شود و نه کم. گچ زیر کاشی ها طبله کرده و حتما باید این کار انجام شود. خلل و فرج روی کاشی ها باعث شده برف روی این پستی و بلندی بنشیند. آن قسمتی که مرمت شده دیگر پستی و بلندی روی کاشی هانیست که برف جای نشستن داشته باشد.»

وقت رفتن مأموری که چراغ روشن و خاموش می کرد، به معمار جوان می گوید: «ببین خانم این حرف و حدیث ها به علت رقابت کردن چند تا تیم مرمت است که انتظار داشتند کار مرمت به آنها سپرده شود.» مردان محافظ تاریخ و میدان بیش از این حرف نمی زنند؛ همه تند و صریح و ساده، انگار که همه چیز روبراه باشد و آب از آب تکان نخورده باشد. تاریخ مرمت شده را می گذاریم و می آییم بیرون. آن تو درگ و پی بناهای این میدان فرسودگی و پوسیدگی در کمین نشسته و این بیرون جواب های قطعی وجود ندارد. شاید اگر زمستان سرد تر شود و برف های بیشتری بیاید، راست از دروغ نمایان شود، اما به چه قیمتی، به قیمت از دست رفتن کاشی های عزیز کرده، به بهای خون یک گنبد. □



۵ میزان